

## نگاهی بر قراردادهای حقوق مؤلف

• دکتر ستار زرکلام<sup>۱</sup>

عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه شاهد

حق مؤلف «شهرت دارند». چگونگی تنظیم این قراردادها اهمیت زیادی دارد، زیرا نه تنها چارچوب رابطه حقوقی بین پدیدآورنده و انتقال گیرنده را مشخص می‌سازد، بلکه در صورت بروز اختلاف و دعوا، به قضات در تشخیص حدود و تکالیف طرفین یاری می‌رساند. مؤلف برای اولین بار در ادبیات حقوقی ایران، در صدد برآمده با توصیف قواعد عمومی حاکم بر این قراردادها، قواعد خاص برخی از قراردادهای متداول در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری را به‌رشته تحریر درآورد که تا حدود زیادی نیز در این زمینه موفق بوده است.

برای نیل به هدف پیش‌روی مؤلف، کتاب در دو بخش اصلی تدوین شده است. مؤلف در بخش نخست، «قواعد عمومی قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مؤلف» را بررسی کرده و در بخش دوم به تحلیل «انواع قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مالی مؤلف» پرداخته است. وی برای بررسی قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای بهره‌برداری، از سویی شرایط اساسی صحت قراردادهای حقوق مؤلف و از سوی دیگر، اوصاف، ماهیت و تعریف قراردادهای حق مؤلف و سرانجام آثار و اجرای قراردادهای حق مؤلف را مورد مطالعه قرارداد است. وی همچنین برای توضیح و تبیین انواع قراردادهای حق مؤلف، این قراردادها را به قراردادهای انتقال مستقیم حقوق مالی مؤلف از یک طرف (شامل قرارداد انتشار و قرارداد عرضه اثر) و قراردادهای انتقال غیرمستقیم حقوق مالی مؤلف (شامل قرارداد تهیه اثر سمعی و بصری، قرارداد سفارش خلق اثر و قرارداد کار برای خلق اثر) از طرف دیگر تقسیم کرده است.



■ محمدی، پژمان. قراردادهای حقوق مؤلف، تهران:

نشر دادگستر، ۱۳۸۶، ص ۴۹۶،

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۲۶-۱۹-۹

حقوق مالی و اقتصادی، نظیر حق تکثیر، نمایش، توزیع و انتشار، که در نظام حق مؤلف و کپی‌رایت برای پدیدآورنده نسبت به اثر در نظر گرفته شده است، نه تنها از سوی خود پدیدآورنده قابل استفاده و بهره‌برداری است، بلکه امکان واگذاری و انتقال آن به دیگران از سوی وی وجود دارد. انتقال حقوق مادی به اشخاص ثالث معمولاً در چارچوب قراردادهایی صورت می‌گیرد که در حقوق مالکیت ادبی و هنری به «قراردادهای انتقال حقوق مادی» یا «قراردادهای



بدون تردید مفیدترین و قابل‌استفاده‌ترین بخش کتاب، بخش دوم آن است که به توضیح و تبیین قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مالی مؤلف می‌پردازد

بدون تردید مفیدترین و قابل‌استفاده‌ترین بخش کتاب، بخش دوم آن است که به توضیح و تبیین قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مالی مؤلف می‌پردازد. بدین منظور مؤلف درباره هر قرارداد، از سویی پس از تعریف این قراردادها، به بیان ویژگی‌های آنها می‌پردازد و از سوی دیگر قواعد حاکم بر انعقاد و اجرای آنها را بررسی می‌کند و سرانجام موجبات پایان این قراردادها را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در این بررسی‌ها، کتاب گاه حاوی اطلاعات ارزشمندی است که بر غنای آن می‌افزاید، از جمله در صفحات ۳۰۲ تا ۳۰۹ که مؤلف قرارداد انتشار را از سایر قراردادهای مشابه، همانند «قرارداد به حساب مؤلف»، «قرارداد نصف حساب»، «قرارداد سفارش خلق اثر» و «قرارداد حق تقدم» تفکیک می‌کند یا آنجا که در بحث درباره قراردادهای سفارش خلق اثر، تکالیف سفارش‌گیرنده و سفارش‌دهنده را با دقت و وسواس تمام تحلیل می‌کند (ص ۴۳۹ - ۴۵۶).

مؤلف که در حال حاضر عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز است، پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه تهران در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری تدوین کرده و پژوهش‌های دیگری نیز در این زمینه داشته است.

مخاطبان کتاب، طبق مقدمه آن دانشجویان، حقوق‌دانان و کارشناسان حقوق مالکیت ادبی و هنری هستند، اگرچه برای اشخاص غیرحقوق‌دان فهم مطالب کتاب با دشواری‌هایی همراه خواهد بود.

کتاب به‌طور خاص به تحلیل قراردادهایی پرداخته

است که به‌طور معمول در زمینه آثار ادبی و هنری منعقد می‌شود. در نتیجه سایر مباحث مهم دیگر که در زمینه حقوق آثار ادبی و هنری مطرح است، از جمله مفهوم پدیدآورنده و صاحبان حقوق آثار ادبی و هنری، آثار مورد حمایت، حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان، مستثنیات حقوق مادی، حقوق بین‌المللی حق مؤلف، ضمانت اجراهای مدنی و کیفری نقض حقوق پدیدآورندگان و تعارض دادگاه‌ها و قوانین مورد مطالعه قرار نگرفته که کاملاً پذیرفتنی است. اگرچه مؤلف در ورای مباحث خود هرچا که ضروری دیده، بعضی از موضوعات یادشده را به اختصار مطرح کرده است. به‌علاوه، با توجه به عنوان خاص کتاب، به‌طریق اولی مؤلف به قراردادهای قابل انعقاد در زمینه حقوق مجاور یا حقوق مرتبط و نیز قراردادهایی که امکان تنظیم آنها در حیطه حقوق مالکیت صنعتی و تجاری وجود دارد، نپرداخته است.

اگرچه مؤلف به‌طور نسبی در نیل به اهداف خود با توجه به موضوع تحقیق موفق بوده است و کتاب می‌تواند جایگاه مناسبی در ادبیات حقوقی ایران در زمینه قراردادهای حق مؤلف پیدا کند، جای خالی برخی از مباحث اساسی در کتاب احساس می‌شود. از آن جمله می‌توان به قراردادهای مرتبط با نرم‌افزارها یا برنامه‌های کامپیوتری اشاره کرد. با آنکه مؤلف به‌طور پراکنده و حسب مورد به اینگونه قراردادهای اشاره کرده است، مطالعه همه‌جانبه قراردادهای منعقد در این زمینه، از جمله تحقیق درباره ویژگی‌های انتقال حقوق مادی پدیدآورنده نرم‌افزارها (در نتیجه سفارش یا قرارداد کار) و انواع قراردادهای منعقد در خصوص این آثار، که از حیث

کتاب به طور خاص به تحلیل قراردادهایی پرداخته است که به طور معمول در زمینه آثار ادبی و هنری منعقد می‌شود

انواع حقوق مادی و مستثنیات آن تفاوت‌های اساسی با آثار ادبی و هنری دارند، ضرورت داشت. مؤلف می‌توانست از منابع اندک موجود در این زمینه کمک بگیرد. به علاوه، وی فقط در چند صفحه به مسئولیت ناشی از قراردادهای حق مؤلف اشاره کرده است (ص ۲۸۵ - ۲۸۹)، در حالی که موضوع اهمیت زیادی دارد و از مؤلف انتظار می‌رفت با کاستن از حجم مطالب کم‌اهمیت‌تر توضیحات بیشتری در این موارد به مخاطبان ارائه کند. سرانجام اینکه کتاب فاقد هرگونه مطالعه در پیشینه قراردادهای حق مؤلف در ایران و سایر کشورهای جهان است.

کتاب مورد بحث به‌رغم زحمات زیادی که برای تدوین آن کشیده شده، دارای ایرادات شکلی و محتوایی به شرح زیر است:

۱. ورود بدون مقدمه (بدون مباحث مقدماتی) در موضوع و فقدان فصل یا بخشی تحت عنوان کلیات و ذکر مباحث کلی در درون بخش‌ها و فصل‌ها نظیر مفهوم و اوصاف و ویژگی‌های قراردادهای حق مؤلف.
۲. عدم طرح برخی از مباحث مهم و اساسی مرتبط با قراردادهای حق مؤلف که پیشتر توضیح داده شد و شرح بیش از حد برخی دیگر از مطالب همانند مباحث مرتبط با شرایط صحت قراردادهای حق مؤلف.
۳. به‌کارگیری کلمات و اصطلاحات نامأنوس نظیر «اندراج» (ص ۷۲)، «مبرزخارجی» (ص ۸۰)، «لاشه اثر» (ص ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۳۷، ۲۵۰).
۴. غلط‌های متعدد تایپی در کلمات و اصطلاحات لاتین (فرانسوی و انگلیسی):
  - در پانویس‌های صفحات ۲۹، ۳۳، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۱۳۵، ۱۹۹، ۴۴۳ و پانویس صفحات متعدد دیگر
  - در متن کتاب، از جمله در سطر سوم و در بندهای الف و ب ص ۸۹، س ۵ ص ۹۶، س ۴ از آخر ص ۹۸، س ۵ از آخر ص ۱۴۶، س ۲ از آخر ص ۲۲۴، س ۶ از ص ۳۰۳، س ۳ از آخر ص ۳۱۳، س ۳ و ۱۳ ص ۳۸۸ و صفحات متعدد دیگر.
  - ۵. فقدان شماره‌گذاری مطالب (بندها) و فقدان نمایه موضوعی در پایان کتاب که کار را برای پژوهشگر در پیدا کردن مطالب دشوار می‌سازد.
  - ۶. اشتباه در شماره مواد قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان:
    - ماده ۱-۲۱۱ (فرانسه) که در صفحات ۶۴ و ۶۵ به آن

اشاره شده است، ربطی به محجورین و بحث نمایندگی ندارد و به‌حق نمایش از طریق ماهواره مربوط است.

- در صفحه ۱۱۳، به‌جای ماده ۳-۱۳۱ (فرانسه)، ماده ۱-۱۳۱ ذکر شده، در حالی که ماده اخیر، به انتقال آثار آینده مربوط است.

- در صفحه ۱۴۹، به‌جای ماده ۱-۳۶ (آلمان)، ماده ۳۶ ذکر شده است.

- در صفحه ۱۸۳، به‌جای ماده ۲۸ (آلمان)، ماده ۲۱ ذکر شده است.

۷. ترجمه‌های اشتباه از قانون مالکیت فکری فرانسه در موارد متعدد، در حالی که مؤلف در این زمینه می‌توانست از ترجمه فارسی منتشرشده این قانون در قسمت آثار ادبی و هنری استفاده کند. برخی از این اشتباهات عبارتند از:

- در ترجمه ماده ۳-۱۳۱ در صفحه ۷۴ به‌جای «حق مؤلف»، عبارت «حق اقتباس» ذکر شده است.

- در ترجمه بند سوم ماده ۱-۱۱۱ در صفحه ۱۰۲، به‌جای عبارت «قرارداد اجاره کار یا خدمات» عبارت «قرارداد کار یا سفارش» ذکر شده که به‌طور کلی متفاوت هستند. در همین ماده به‌جای عبارت «خللی»، از عبارت «انحرافی» استفاده شده که صحیح نیست.

- ماده ۲-۳۳۳ در صفحه ۱۵۲ به‌گونه‌ای ترجمه شده که گویی غیرقابل توقیف بودن عواید بهره‌برداری ناشی از حق مؤلف (به‌عنوان یک امتیاز) مطلق است، در حالی که این مبالغ اگر ماهیت نقه داشته باشند، قابل توقیف نیستند، و گرنه در سایر موارد می‌توان آن را توقیف کرد. در واقع، ترجمه ناقص متن ماده موجب این اشتباه شده است. در همان صفحه، در ترجمه ماده ۱-۳۳۳ هم این اشتباه دیده می‌شود.

- در صفحه ۳۵ در ترجمه مواد ۳-۱۲۱ و ۹-۱۲۲، مؤلف درباره سوءاستفاده پدیدآورنده و ضمانت اجرای آن سخن گفته، در حالی که در مواد یادشده بحث از سوءاستفاده نمایندگان پدیدآورنده متوفی است نه خود پدیدآورنده.

- در صفحه ۱۶۹ در ترجمه ماده ۱۶-۱۳۲، مؤلف به‌جای «آورده» که معادل «apporte en société» است، از عبارت «سهام» و به‌جای «مایه تجارتي» که معادل «fond de commerce» است از عبارت «سرقفلی» استفاده کرده، در حالی که سرقفلی یکی از عناصر مایه تجارتي است.

- در صفحه ۳۲۲، ماده ۴-۳۱ قانون مالکیت فکری آلمان صحیح و دقیق ترجمه نشده است.

۸. ترجمه اشتباه برخی از کلمات و اصطلاحات:

- «مجوز» در مقابل کلمه «concession» قرار گرفته (ص ۷۵، ۹۱، ۳۱۵، ۲۰۶)، در حالی که معادل حقوقی صحیح این اصطلاح «قرارداد واگذاری حق استفاده» یا «قرارداد ليسانس» است؛

- عبارت «تصفیه قضایی» در مقابل اصطلاح «le redressement judiciaire» (ص ۱۹۹) در حالی که معادل فارسی آن «بازسازی قضایی» است که در حقوق فرانسه با تصفیه قضایی متفاوت است؛

- در صفحات ۴۲ و ۲۴۲، عبارت «آثار اجاره‌ای» در مقابل اصطلاح «work made for hire»، قرار داده شده، ولی در صفحه ۱۶۵ مفهوم دیگری از این عبارت ارائه شده است؛

- در صفحه ۳۲۰، مؤلف مطالبی را دربارهٔ مورد انتقال حقوق برای «تمام دنیا» یا «کل دنیا» بیان کرده که مفهوم نیست و به نظر می‌رسد عبارت فرانسوی معادل، به درستی ترجمه نشده است.

۹. در برخی از قسمت‌های کتاب، در تحلیل‌های حقوقی مشکلاتی مشاهده می‌شود:

- برخلاف نظر مؤلف (ص ۸۵ و ۱۸۳)، امروزه در حقوق آلمان نظریهٔ ماهیت (حقوق مادی و معنوی) حق مؤلف پذیرفته شده و نظریهٔ یگانگی ماهیت این حقوق مربوط به تاریخ حقوق آلمان است. دلیل این امر در نظر گرفتن حقوق معنوی (مواد ۱۲ تا ۱۵) و حقوق بهره‌برداری (مواد ۱۵ تا ۲۴) برای پدیدآورنده در قانون مالکیت فکری آلمان است (ص ۱۲۶ - ۱۳۱)؛

- در صفحه ۹۰، حق تعقیب به‌عنوان یکی از حقوق مالی در نظر گرفته شده، در حالی که این حق از توابع حق توزیع است و به‌طور مستقل از حقوق مادی شمرده نمی‌شود؛

- در صفحه ۱۳۵ مؤلف مدعی شده است که در حقوق فرانسه انصراف از حقوق معنوی پذیرفته می‌شود، در حالی که دکتربین حقوقی غالب در فرانسه چنین نظری ندارد؛

- در صفحه ۱۵۲ تا ۱۵۴، پس از بحث دربارهٔ امتیازات حق تألیف، به یکباره مشروعیت برای معامله ذکر شده که هیچ ربطی به امتیازات حق تألیف ندارد. به نظر می‌رسد اشتباه در حروف چینی موجب این امر شده است؛

- برخلاف آنچه در صفحه ۲۲۰ از حقوق آلمان استنباط شده است، با توجه به صراحت مادهٔ ۳۱-۱ قانون مالکیت فکری آلمان (همان، ص ۱۳۳) واگذاری حق بهره‌برداری می‌تواند انحصاری یا غیرانحصاری باشد؛

- در صفحه ۲۴۸ (بند ۳-۴) اصل نسبی بودن قراردادها و پرداخت حق التألیف به‌صورت نسبی (غیرمقطوع) اشتباه گرفته شده است، در حالی که این دو مفهوم هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند.

آنچه پیشتر گفته شد، چیزی از ارزش کار بزرگ مؤلف نمی‌کاهد. مؤلف بیشتر مسائل مرتبط با موضوع را به‌دقت بررسی کرده و در این زمینه از حقوق فرانسه، آلمان و گاه ایالات متحده آمریکا یاری گرفته است. منابع مورد استفاده مؤلف متعدد و اغلب معتبرند و مؤلف کوشیده است با توجه به خلأ قانونی در زمینهٔ قراردادهای حق مؤلف، قواعد مرتبط با این قراردادها را از دید حقوق ایران مطالعه کند. با توجه به ادبیات ناچیز حقوقی در زمینهٔ حقوق مالکیت فکری به‌طور عام و حقوق مالکیت ادبی و هنری به‌طور خاص، تلاش مؤلف برای توضیح و تبیین علمی قراردادهای مرتبط با حقوق مادی پدیدآورنده ستودنی است. علاوه بر قسمت‌های مفید و کاربردی کتاب که بیشتر به آن اشاره شد، کتاب مورد نقد در بسیاری از موارد نکته‌های مهم و ظریفی را دربارهٔ قراردادهای حق مؤلف مطرح کرده است که می‌تواند نه تنها برای جامعهٔ حقوقی کشور بلکه برای ارباب ادب و هنر راهگشا باشد. برای مثال می‌توان به مطالب نوشته‌شده در زمینهٔ «انتقال حقوق مؤلف: عقد اجاره» (ص ۱۸۴ - ۱۸۹)، «انتقال حقوق مؤلف: هبه» (ص ۲۰۲ - ۲۰۵)، «قراردادهای مجوز در کشورهای رومیژرمنی» (ص ۲۱۰ - ۲۱۳)، «تعیین محتوای اثر قراردادهای مؤلف و قواعد حاکم» (ص ۲۵۳ - ۲۷۶) اشاره کرد. سرانجام، همان‌طور که گفته‌اند، «دیکنته نانوخته غلط ندارد» ولی آن که نوشت کاری کرد کارستان.

#### پی‌نوشت

1. sattar\_27@yahoo.fr

#### مآخذ:

۱. ویران، میشل؛ ... [و دیگران] (۱۳۸۰) **قراردادهای انفورماتیک** را چگونه مذاکره و منعقد کنیم، ترجمه ستار زرکلام. انتشارات شورای عالی انفورماتیک.
۲. **قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان: آثار ادبی و هنری (۱۳۸۴)**. ترجمه ستار زرکلام. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

**مؤلف بیشتر مسائل مرتبط با موضوع را به‌دقت بررسی کرده و در این زمینه از حقوق فرانسه، آلمان و گاه ایالات متحده آمریکا یاری گرفته است**